

شماره: ۵۴۴/۱۲۲۲۳

تاریخ: ۱۳۹۴/۲/۲۸

پست:

دبیرخانه شورای نگهبان
شماره ثبت: ۹۴, ۱۵, ۸۸
تاریخ ثبت: ۱۳۹۴ / ۲ / ۲۸
کد پرونده:
ساعت ورود:

حضرت آیت الله احمد جنتی

دبیر محترم شورای نگهبان

در اجرای اصل نود و چهارم (۹۴) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد که به مجلس شورای اسلامی تقدیم گردیده بود و در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ ۱۳۹۴/۲/۲۳ مجلس با اصلاحاتی به تصویب رسیده است، به پیوست ارسال می‌گردد.

علی لاریجانی

**لایحه موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت
جمهوری سوسیالیستی ویتنام به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و
جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد**

ماده واحده- موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت
جمهوری سوسیالیستی ویتنام به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و
جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد مشتمل بر یک مقدمه و
بیست و نه ماده به شرح پیوست تصویب و اجازه مبادله اسناد آن داده می‌شود.
تبصره ۱- هزینه‌های مالی موضوع بند (۳) ماده (۱۱) موافقتنامه، مجوز
کسب درآمد غیرقانونی از جمله ربا محسوب نمی‌شود.
تبصره ۲- رعایت اصول هفتاد و هفتم (۷۷) و یکصد و سی و نهم
(۱۳۹) قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران در اجرای این موافقتنامه الزامی
است.

بسم الله الرحمن الرحيم

**موافقتنامه بین دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت
جمهوری سوسیالیستی ویتنام به منظور اجتناب از اخذ مالیات مضاعف و
جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد**

دولت جمهوری اسلامی ایران و دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام؛ که از این
پس دولتهای متعاقد نامیده می‌شوند، با تمایل به انعقاد موافقتنامه‌ای به منظور اجتناب از
اخذ مالیات مضاعف و جلوگیری از فرار مالیاتی در مورد مالیات‌های بر درآمد به شرح
زیر توافق نمودند:

ماده ۱- اشخاص مشمول موافقتنامه

این موافقتنامه ناظر بر اشخاصی است که مقیم یکی از دولتهای متعاقد یا هر دو آنها باشند.

ماده ۲- مالیاتهای موضوع موافقتنامه

۱- این موافقتنامه شامل مالیاتهای بر درآمد است که صرف نظر از نحوه اخذ آنها، از سوی هر دولت متعاقد یا مقامات محلی آنها وضع می گردد.

۲- مالیات بر درآمد عبارت است از تمامی مالیاتهای بر کل درآمد یا اجزای درآمد از جمله مالیات درآمدهای حاصل از نقل و انتقال اموال منقول یا غیرمنقول، مالیات بر کل مبالغ دستمزد یا حقوق پرداختی توسط مؤسسات و همچنین مالیات بر افزایش ارزش سرمایه

۳- مالیاتهای موجود مشمول این موافقتنامه عبارتند از:

الف: درمورد جمهوری اسلامی ایران:

- مالیات بر درآمد املاک،
- مالیات بر درآمد کشاورزی،
- مالیات بر درآمد حقوق،
- مالیات بر درآمد مشاغل (کسب و کار)، و
- مالیات بر درآمد اشخاص حقوقی

ب: درمورد جمهوری سوسیالیستی ویتنام:

- مالیات بر درآمد شخصی، و
- مالیات بر درآمد کسب و کار

۴- این موافقتنامه شامل مالیاتهایی که نظیر یا در اساس مشابه مالیاتهای موجود بوده و بعد از تاریخ امضای این موافقتنامه به آنها اضافه یا به جای آنها وضع شود نیز خواهد بود. مقامات صلاحیتدار دولتهای متعاقد، ظرف مدت معقولی یکدیگر را از تغییرات مهمی که در قوانین مالیاتی مربوط به آنها حاصل شود، مطلع خواهند نمود.

ماده ۳- تعاریف کلی

۱- از لحاظ این موافقتنامه، جز در مواردی که سیاق عبارت مفهوم دیگری را اقتضاء نماید، معانی اصطلاحات به قرار زیر است:

الف-

۱- «جمهوری اسلامی ایران» به مناطق تحت حاکمیت و یا صلاحیت جمهوری اسلامی ایران اطلاق می شود.

۲- «ویتنام» به جمهوری سوسیالیستی ویتنام اطلاق می شود و به هنگام کاربرد در معنای جغرافیایی ناظر است بر قلمرو خشکی آن، جزایر، آبهای داخلی، دریای سرزمینی و منطقه هوایی مافوق آنها، مناطق دریایی خارج از دریای سرزمینی از جمله بستر دریا و زیر بستر آن، که جمهوری سوسیالیستی ویتنام طبق قانون ملی و حقوق بین الملل نسبت به آن حاکمیت، حقوق حاکمیت و صلاحیت را اعمال می نماید.

ب: «شخص» اطلاق می شود به:

- شخص حقیقی،

- شرکت یا هر مجموعه دیگری از افراد.

پ: «یک دولت متعاقد» و «دولت متعاقد دیگر» بنا به اقتضای متن به ایران یا ویتنام اطلاق می شود.

ت: «شرکت» اطلاق می شود به هر شخص حقوقی یا هر واحدی که از لحاظ مالیاتی به عنوان شخص حقوقی محسوب می شود.

ث: «دفتر ثبت شده» به مفهوم دفتر مرکزی ثبت شده طبق قوانین مربوط هر دولت متعاقد می باشد.

ج: «مؤسسه یک دولت متعاقد» و «مؤسسه دولت متعاقد دیگر» به ترتیب به مؤسسه ای که به وسیله مقیم یک دولت متعاقد و مؤسسه ای که به وسیله مقیم دولت متعاقد دیگر اداره می گردد، اطلاق می شود.

چ: «حمل و نقل بین المللی» به هرگونه حمل و نقل توسط کشتی یا وسایط نقلیه هوایی اطلاق می شود که توسط مؤسسه یک دولت متعاقد انجام می شود، به

استثنای مواردی که کشتی یا وسایط نقلیه هوایی صرفاً برای حمل و نقل بین نقاط واقع در دولت متعاقد دیگر استفاده شود.

ح: «مقام صلاحیتدار»:

- در مورد جمهوری اسلامی ایران به وزیر امور اقتصادی و دارایی یا نماینده مجاز او اطلاق می‌شود.

- در مورد جمهوری سوسیالیستی ویتنام، به وزیر دارایی یا نماینده مجاز وی اطلاق می‌شود. و

خ: «تبعه» اطلاق می‌شود به:

- هر شخص حقیقی که تابعیت یک دولت متعاقد را داشته باشد؛

- هر شخص حقوقی، مشارکت و انجمنی که وضعیت قانونی خود را به موجب قوانین جاری در یک دولت متعاقد کسب نماید.

۲- در اجرای این موافقتنامه توسط یک دولت متعاقد، هر اصطلاحی که تعریف نشده باشد، دارای معنای به کار رفته در قوانین آن دولت راجع به مالیات‌های موضوع این موافقتنامه است به جز مواردی که اقتضای سیاق عبارت به گونه‌ای دیگر باشد.

ماده ۴- مقیم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقیم یک دولت متعاقد» به هر شخصی اطلاق می‌شود که به موجب قوانین آن دولت، از حیث اقامتگاه، محل سکونت، محل ثبت یا به جهات مشابه دیگر مشمول مالیات آن دولت باشد و همچنین این اصطلاح شامل آن دولت یا مقام محلی آن خواهد بود. با وجود این، اصطلاح مزبور شامل شخصی نخواهد بود که صرفاً به لحاظ سرمایه یا کسب درآمد از منابع واقع در آن دولت مشمول مالیات آن دولت می‌شود.

۲- در صورتی که حسب مقررات بند (۱) این ماده، شخص حقیقی مقیم هر دو دولت متعاقد باشد، وضعیت او به شرح زیر تعیین خواهد شد:

الف: او فقط مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن، محل سکونت دائمی در اختیار دارد. اگر او در هر دو دولت محل سکونت دائمی در اختیار داشته باشد، فقط

مقیم دولتی تلقی خواهد شد که در آن علایق شخصی و اقتصادی بیشتری دارد (مرکز منافع حیاتی).

ب: هرگاه نتوان دولتی را که وی در آن مرکز منافع حیاتی دارد تعیین کرد یا چنانچه او در هیچ یک از دو دولت، محل سکونت دائمی در اختیار نداشته باشد، صرفاً مقیم دولت متعاهدی تلقی خواهد شد که معمولاً در آنجا به سر می برد.

پ: هرگاه او معمولاً در هر دو دولت متعاهد به سر برد یا در هیچ یک به سر نبرد، صرفاً مقیم دولتی تلقی می شود که تابعیت آن را دارد.

ت: هرگاه او تابعیت هیچ یک از دو دولت را نداشته باشد و یا در صورتی که نتوان براساس بندهای پیشین او را مقیم یکی از دولتهای متعاهد تلقی کرد، موضوع با توافق مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاهد حل و فصل خواهد شد.

۳- در صورتی که به موجب مقررات بند (۱) این ماده شخصی غیر از شخص حقیقی، مقیم هر دو دولت متعاهد باشد، آن شخص، مقیم دولتی تلقی خواهد شد که محل ثبت آن از جمله دفتر مرکزی ثبت شده در آن واقع است.

ماده ۵- مقر دائم

۱- از لحاظ این موافقتنامه اصطلاح «مقر دائم» به محل ثابتی اطلاق می شود که از طریق آن، مؤسسه یک دولت متعاهد کلاً یا جزئاً در دولت متعاهد دیگر به کسب و کار اشتغال دارد.

۲- اصطلاح «مقر دائم» به ویژه شامل موارد زیر است:

الف: محل اداره،

ب: شعبه،

پ: دفتر،

ت: کارخانه،

ث: کارگاه، و

ج: معدن، چاه نفت یا گاز، معدن سنگ یا هر محل دیگر اکتشاف، استخراج و

یا بهره برداری از منابع طبیعی؛

۳- اصطلاح « مقرر دائم » همچنین مشتمل است بر:

الف: کارگاه ساختمانی، پروژه ساخت، سوار کردن یا نصب ساختمان یا فعالیت‌های مربوط به سرپرستی و نظارت مرتبط با آن، « مقرر دائم » محسوب می‌شوند ولی فقط در صورتی که این کارگاه، پروژه یا فعالیت‌ها بیش از شش ماه استقرار یا ادامه داشته باشد.

ب: ارائه خدمات، از جمله خدمات مشاوره‌ای، توسط یک مؤسسه از طریق کارکنان یا سایر افرادی که به همین منظور توسط مؤسسه به کار گمارده شده‌اند، اما صرفاً در صورتی که فعالیت‌های دارای این ماهیت (برای همان پروژه یا پروژه مرتبط) در داخل کشور برای دوره یا دوره‌هایی که در مجموع بیش از شش ماه در هر دوره دوازده ماهه باشد ادامه داشته باشد.

۴- علی‌رغم مقررات قبلی این ماده، انجام فعالیت‌های زیر توسط مؤسسه یک دولت متعاقد در دولت متعاقد دیگر به‌عنوان فعالیت از طریق « مقرر دائم » تلقی نخواهد شد:

الف: استفاده از تسهیلات، صرفاً به منظور انبار کردن، نمایش اجناس یا کالاهای متعلق به مؤسسه

ب: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور انبار کردن یا نمایش

پ: نگهداری کالا یا اجناس متعلق به مؤسسه، صرفاً به منظور فرآوری آنها توسط مؤسسه دیگر

ت: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور خرید کالاها یا اجناس، یا گردآوری اطلاعات برای آن مؤسسه

ث: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور انجام تحقیقات علمی برای آن مؤسسه و یا سایر فعالیت‌هایی که برای آن مؤسسه دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

ج: نگهداری محل ثابت کسب و کار صرفاً به منظور ترکیبی از فعالیت‌های مذکور در جزءهای (الف) تا (ث)، به شرط آنکه فعالیت کلی محل ثابت شغلی حاصل از این ترکیب، دارای جنبه تمهیدی یا کمکی باشد.

۵- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲) در صورتی که شخصی (غیر از عاملی که دارای وضعیت مستقل بوده و مشمول بند ۶ است) در یک دولت متعاقد از طرف مؤسسه‌ای فعالیت کند و دارای اختیار انعقاد قرار داد به نام آن مؤسسه باشد و اختیار مزبور را به طور معمول اعمال کند، آن مؤسسه در مورد فعالیت‌هایی که این شخص برای آن انجام می‌دهد، در آن دولت دارای مقرر دائم تلقی خواهد شد مگر آنکه فعالیت‌های شخص مزبور محدود به موارد مذکور در بند (۴) باشد، که در این صورت آن فعالیت‌ها چنانچه از طریق محل ثابت کسب و کار نیز انجام گیرند به موجب مقررات بند مذکور، این محل ثابت کسب و کار را به مقرر دائم تبدیل نخواهد کرد.

۶- مؤسسه یک دولت متعاقد صرفاً به سبب آنکه در دولت متعاقد دیگر از طریق حق‌العمل کار، دلال یا هر عامل مستقل دیگری به انجام امور می‌پردازد، در آن دولت دیگر دارای مقرر دائم تلقی نخواهد شد مشروط بر آنکه عملیات اشخاص مزبور در جریان عادی کسب و کار آنان صورت گیرد. مع‌ذلک، هرگاه فعالیت‌های چنین عاملی به طور کامل یا تقریباً کامل به آن مؤسسه تخصیص یافته باشد از حیث معنای این بند او به‌عنوان عامل دارای وضعیت مستقل قلمداد نخواهد شد.

۷- صرف اینکه شرکت مقیم یک دولت متعاقد، شرکت مقیم در دولت متعاقد دیگر را کنترل می‌کند یا تحت کنترل آن قرار دارد یا در آن دولت دیگر فعالیت تجاری انجام می‌دهد (خواه از طریق مقرر دائم و خواه به‌نحو دیگر) به‌خودی خود برای اینکه یکی از آنها مقرر دائم دیگری محسوب شود، کافی نخواهد بود.

ماده ۶- درآمد حاصل از اموال غیرمنقول

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاقد از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاقد دیگر از جمله درآمد حاصل از کشاورزی یا جنگلداری مشمول مالیات آن دولت دیگر خواهد بود.

۲- اصطلاح « اموال غیرمنقول » دارای همان تعریفی است که در قوانین دولت متعاهدی که اموال مزبور در آن قرار دارد، آمده است. این اصطلاح به هر حال شامل ملحقات مربوط به اموال غیرمنقول، احشام و اسباب و ادوات مورد استفاده در کشاورزی و جنگلداری، حقوقی که مقررات قوانین عام راجع به مالکیت اراضی، در

مورد آنها اعمال می‌گردد، حق انتفاع از اموال غیرمنقول و حقوق مربوط به پرداختهای ثابت یا متغیر در ازای کار یا حق انجام کار، ذخایر معدنی، سرچشمه‌ها و سایر منابع طبیعی از جمله نفت، گاز و معدن سنگ خواهد بود؛ کشتی‌ها و وسایط نقلیه هوایی به‌عنوان اموال غیرمنقول محسوب نخواهند شد.

۳- مقررات بند (۱) این ماده نسبت به درآمد حاصل از استفاده مستقیم، اجاره یا هر شکل دیگر استفاده از اموال غیرمنقول جاری خواهد بود.

۴- مقررات بندهای (۱) و (۳) این ماده در مورد درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مؤسسه و درآمد ناشی از اموال غیرمنقول مورد استفاده برای انجام خدمات شخصی مستقل نیز جاری خواهد شد.

ماده ۷- درآمدهای تجاری

۱- درآمد مؤسسه یک دولت متعاهد فقط مشمول مالیات همان دولت خواهد بود مگر اینکه این مؤسسه از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر امور تجاری خود را انجام دهد. چنانچه مؤسسه از طریق مزبور به کسب و کار پردازد درآمد آن مؤسسه فقط تا حدودی مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر می‌شود که مرتبط باشد با:

الف: مقر دائم مذکور؛ یا

ب: فروش اجناس یا کالاهای نظیر اجناس یا کالاهای فروخته شده از طریق

مقر دائم مزبور در آن دولت دیگر

۲- با رعایت مقررات بند (۳) این ماده، در صورتی که مؤسسه یک دولت متعاهد از طریق مقر دائم واقع در دولت متعاهد دیگر فعالیت نماید، آن مقر دائم در هر یک از دو دولت متعاهد، دارای درآمدی تلقی می‌شود که اگر به‌صورت مؤسسه‌ای متمایز و مجزا و کاملاً مستقل از مؤسسه‌ای که مقر دائم آن است به فعالیت‌های نظیر یا مشابه در شرایط نظیر یا مشابه اشتغال داشت، می‌توانست تحصیل کند.

۳- در تعیین درآمد مقر دائم، هزینه‌های قابل قبول از جمله هزینه‌های اجرائی و هزینه‌های عمومی اداری تا حدودی که این هزینه‌ها برای مقاصد آن مقر دائم صورت گرفته است، کسر خواهد شد، اعم از آنکه در دولتی که مقر دائم در آن واقع شده است انجام پذیرد یا در جای دیگر

۴- چنانچه در یک دولت متعاهد روش متعارف برای تعیین درآمد قابل تخصیص به مقر دائم براساس تسهیم کل درآمد مؤسسه به بخشهای مختلف آن باشد، مقررات بند (۲) مانع به کاربردن روش تسهیمی متعارف آن دولت متعاهد برای تعیین درآمد مشمول مالیات نخواهد شد. در هر حال نتیجه روش تسهیمی متخذه باید با اصول این ماده تطابق داشته باشد.

۵- صرف آنکه مقر دائم برای مؤسسه جنس یا کالا خریداری می کند، موجب منظور داشتن درآمد برای آن مقر دائم نخواهد بود.

۶- از لحاظ مقررات بندهای پیشین این ماده، درآمد منظور شده برای مقر دائم سال به سال به روش یکسان تعیین خواهد شد، مگر آنکه دلیل مناسب و کافی برای اعمال روش دیگر وجود داشته باشد.

۷- در صورتی که درآمد شامل اقلامی از درآمد باشد که طبق سایر مواد این موافقتنامه حکم جداگانه ای دارد، مفاد این ماده خدشه ای به مقررات آن مواد وارد نخواهد آورد.

ماده ۸- کشتیرانی و حمل و نقل هوایی

۱- درآمد حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد بابت استفاده از کشتی ها یا وسایط نقلیه هوایی در حمل و نقل بین المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۲- مقررات بند (۱) در خصوص درآمد حاصل از مشارکت در اتحادیه موقتی، تجارت مشترک یا آژانس فعالیت های بین المللی نیز قابل اجراء خواهد بود، لکن فقط به آن قسمت از منافع حاصله که قابل تخصیص به قدرالسهم بابت مشارکت در فعالیت های مشارکتی باشد.

ماده ۹- مؤسسات شریک

۱- در صورتی که:

الف: مؤسسه یک دولت متعاهد بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه دولت متعاهد دیگر مشارکت داشته باشد،

یا

ب: اشخاصی واحد بطور مستقیم یا غیرمستقیم در مدیریت، کنترل یا سرمایه مؤسسه یک دولت متعاقد و مؤسسه دولت متعاقد دیگر مشارکت داشته باشند، و در هر یک از دو مورد شرایط مورد توافق یا مقرر در روابط تجاری یا مالی بین این دو مؤسسه، متفاوت از شرایطی باشد که بین مؤسسات مستقل برقرار است، در آن صورت هرگونه درآمدی که باید در نبود آن شرایط عاید یکی از این مؤسسات می‌شد، ولی به‌علت آن شرایط، عاید نشده است می‌تواند جزء درآمد آن مؤسسه منظور شده و مشمول مالیات متعلقه شود.

۲- در صورتی که یک دولت متعاقد درآمدهایی که در دولت متعاقد دیگر بابت آنها از مؤسسه آن دولت متعاقد دیگر مالیات اخذ شده، جزء درآمدهای مؤسسه خود منظور و آنها را مشمول مالیات کند و درآمد مزبور درآمدی باشد که چنانچه شرایط استقلال بین دو مؤسسه حاکم بود، عاید مؤسسه دولت نخست می‌شد، در این صورت آن دولت متعاقد دیگر در میزان مالیات متعلقه بر آن درآمد، تعدیل مناسبی به‌عمل خواهد آورد. در تعیین چنین تعدیلاتی سایر مقررات این موافقتنامه باید لحاظ شود و مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد در صورت لزوم با یکدیگر مشورت خواهند کرد.

ماده ۱۰- سود سهام

۱- سود سهام پرداختی توسط شرکت مقیم یک دولت متعاقد به مقیم دولت متعاقد دیگر مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک این سود سهام ممکن است در دولت متعاهدی که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی در صورتی که دریافت کننده، مقیم دولت متعاقد دیگر بوده و مالک منافع سود سهام باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص سود سهام تجاوز نخواهد کرد.

این بند تأثیری بر مالیات شرکتی که از محل درآمد آن سود سهام مزبور پرداخت می‌شود نخواهد داشت.

۳- اصطلاح « سود سهام » در این ماده اطلاق می‌شود به درآمد حاصل از سهام، سهام منافع یا حقوق سهام منافع، سهام مؤسسان یا سایر حقوق، به استثنای مطالبات دیون، مشارکت در منافع و نیز درآمد حاصل از سایر حقوق شراکتی که طبق قوانین دولت محل اقامت شرکت تقسیم کننده درآمد مشمول همان رفتار مالیاتی است که در مورد درآمد حاصل از سهام اعمال می‌گردد.

۴- هرگاه مالک منافع سود سهام، مقیم یک دولت متعاهد بوده و در دولت متعاهد دیگر که شرکت پرداخت کننده سود سهام مقیم آن است، از طریق مقرر دائم واقع در آن به فعالیت شغلی بپردازد یا از پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر خدمات شخصی مستقل انجام دهد و سهامی که از بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود بطور مؤثر مرتبط با این مقرر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده جاری نخواهد بود. در این صورت، مقررات مواد (۷) یا (۱۵)، حسب مورد، مجری خواهد بود.

۵- در صورتی که شرکت مقیم یک دولت متعاهد، منافع یا درآمدی از دولت متعاهد دیگر تحصیل کند، آن دولت متعاهد دیگر هیچ نوع مالیاتی بر سود سهام پرداختی توسط این شرکت وضع نخواهد کرد، به غیر از مواقعی که این سود سهام به مقیم آن دولت متعاهد دیگر پرداخت شود یا مواقعی که سهامی که بابت آن سود سهام پرداخت می‌شود به طور مؤثر مرتبط با مقرر دائم یا پایگاه ثابت واقع در آن دولت متعاهد دیگر باشد، و منافع تقسیم نشده شرکت را نیز مشمول مالیات نخواهد کرد، حتی اگر سود سهام پرداختی یا منافع تقسیم نشده، کلاً یا جزئاً از منافع یا درآمد حاصل در آن دولت متعاهد دیگر تشکیل شود.

ماده ۱۱- هزینه‌های مالی

۱- هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاهد که به مقیم دولت متعاهد دیگر پرداخت شده مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک، این هزینه‌های مالی ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده و طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه دریافت کننده، مقیم

دولت متعاقد دیگر بوده و مالک منافع هزینه‌های مالی باشد، مالیات متعلقه از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص هزینه‌های مالی تجاوز نخواهد کرد.

۳- اصطلاح « هزینه‌های مالی » به‌نحوی که در این ماده به‌کار رفته است به درآمد ناشی از هر نوع مطالبات دینی اعم از آنکه دارای وثیقه و یا متضمن حق مشارکت در منافع بدهکار باشد یا نباشد، و به‌خصوص درآمد ناشی از اوراق بهادار دولتی و درآمد ناشی از اوراق قرضه یا سهام قرضه شامل حق بیمه و جوایز متعلق به اوراق بهادار، اوراق قرضه یا سهام قرضه مزبور اطلاق می‌گردد. جریمه‌های تأخیر تأدیه از لحاظ این ماده هزینه‌های مالی محسوب نخواهد شد.

۴- علی‌رغم مقررات بند (۲)، هزینه‌های مالی حاصل در یک دولت متعاقد که توسط دولت متعاقد دیگر، وزارتخانه‌ها، سایر مؤسسات دولتی، شهرداری‌ها، بانک مرکزی و سایر بانکهایی که کلاً متعلق به دولت متعاقد دیگر می‌باشند، کسب می‌شوند، از مالیات دولت نخست معاف خواهد بود.

۵- هرگاه مالک منافع هزینه‌های مالی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که هزینه‌های مالی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دائم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و مطالبات دینی که هزینه‌های مالی از بابت آن پرداخت می‌شود به‌طور مؤثر مربوط به این مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت حسب مورد، مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵) مجری خواهد بود.

۶- هزینه‌های مالی در صورتی حاصل شده در یک دولت متعاقد تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده خود آن دولت، مقام محلی یا مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده هزینه‌های مالی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد و در ارتباط با دینی که هزینه‌های مالی به آن تعلق می‌گیرد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابت بوده و پرداخت این هزینه‌های مالی بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت چنین تلقی خواهد شد که هزینه‌های مالی مذکور، در دولت متعاقد محل وقوع مقر دائم یا پایگاه ثابت حاصل شده است.

۷- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ هزینه‌های مالی که در مورد مطالبات دینی پرداخت می‌شود از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می‌شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این مورد، قسمت مازاد پرداختی، طبق قوانین هریک از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۲- حق الامتیازها

۱- حق الامتیازهایی که در یک دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- مع ذلک، این حق الامتیازها ممکن است در دولت متعاهدی که حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات شود، ولی چنانچه مالک منافع حق الامتیاز مقیم دولت متعاقد دیگر باشد، مالیات متعلقه بیش از ده درصد (۱۰٪) مبلغ ناخالص حق الامتیاز نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الامتیاز» در این ماده به هر نوع وجوه دریافت شده در ازای استفاده یا حق استفاده از هر نوع حق چاپ و انتشار آثار ادبی، هنری یا علمی از جمله فیلمهای سینمایی و نوارهای رادیویی یا تلویزیونی، هرگونه حق انحصاری اختراع، علامت تجاری، طرح یا نمونه، نقشه، فرمول یا فرآیند سری یا اطلاعات مربوط به تجارب صنعتی، بازرگانی یا علمی یا استفاده یا حق استفاده از تجهیزات صنعتی، بازرگانی یا علمی اطلاق می‌شود.

۴- هرگاه مالک منافع حق الامتیاز، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگر که حق الامتیاز حاصل می‌شود از طریق مقررات واقع در آن، فعالیت شغلی داشته باشد یا در آن دولت متعاقد دیگر از طریق پایگاه ثابت خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الامتیاز نسبت به آنها پرداخت می‌شود به‌طور مؤثری با این مقررات یا پایگاه ثابت ارتباط داشته باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) این ماده اعمال نخواهد شد. در این صورت، حسب مورد، مقررات مواد (۷) یا (۱۵) مجری خواهد بود.

۵- حق الامتياز در يك دولت متعاقد در صورتی حاصل شده تلقی خواهد شد كه پرداخت كننده، خود آن دولت، مقام محلی یا مقیم آن دولت باشد. مع ذلك در صورتی كه شخص پرداخت كننده حق الامتياز، خواه مقیم يك دولت متعاقد باشد یا نباشد، در يك دولت متعاقد دارای مقر دائم یا پایگاه ثابتی باشد كه حق یا اموال موجد حق الامتياز به نحوی مؤثر در ارتباط با آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد و پرداخت حق الامتياز بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابت مذکور باشد، حق الامتياز در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد كه مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

۶- چنانچه به سبب وجود رابطه‌ای خاص میان پرداخت كننده و مالك منافع یا بین هر دوی آنها با شخص دیگری، مبلغ حق الامتيازی كه با در نظر گرفتن استفاده، حق استفاده یا اطلاعاتی كه بابت آنها حق الامتياز پرداخت می شود، از مبلغی كه در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت كننده و مالك منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده فقط نسبت به مبلغ اخیر الذکر مجری خواهد بود. در این گونه موارد، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هریك از دولتهای متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات باقی خواهد ماند.

ماده ۱۳- حق الزحمه خدمات فنی

۱- حق الزحمه خدمات فنی كه در يك دولت متعاقد حاصل و به مقیم دولت متعاقد دیگر پرداخت شده، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می شود.

۲- مع ذلك، این حق الزحمه خدمات فنی ممكن است در دولت متعاهدی كه حاصل شده طبق قوانین آن دولت نیز مشمول مالیات گردد، ولی چنانچه دریافت كننده، مالك منافع حق الزحمه خدمات فنی باشد، مالیات متعلقه بیش از هشت درصد (۸٪) مبلغ ناخالص حق الزحمه خدمات فنی نخواهد بود.

۳- اصطلاح «حق الزحمه خدمات فنی» به گونه مورد استفاده در این ماده به هر نوع وجوه پرداختی به هر شخص، به جز وجوه پرداختی مذکور در مواد (۱۲)، (۱۵) و (۱۶) این موافقتنامه، در ازای هر نوع خدمات مدیریتی یا فنی یا مشاوره‌ای از جمله ارائه خدمات كاركنان فنی یا سایر كاركنان اطلاق می گردد.

۴- هرگاه مالک منافع حق الزحمه خدمات فنی، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در دولت متعاقد دیگری که حق الزحمه خدمات فنی در آنجا حاصل شده از طریق مقر دایم واقع در آن فعالیت شغلی داشته باشد یا در دولت متعاقد دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که حق الزحمه خدمات فنی بابت آن پرداخت می شود به طور مؤثر با مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور مرتبط باشد، مقررات بندهای (۱) و (۲) مجری نخواهد بود. در این صورت مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵)، حسب مورد مجری خواهد بود.

-۵

الف: حق الزحمه خدمات فنی در صورتی در یک دولت متعاقد حاصل شده تلقی خواهد گردید که پرداخت کننده مقیم آن دولت باشد. مع ذلک، در صورتی که شخص پرداخت کننده حق الزحمه خدمات فنی، خواه مقیم یک دولت متعاقد باشد یا نباشد، در یک دولت متعاقد مقر دائم یا پایگاه ثابتی داشته باشد که تعهد پرداخت حق الزحمه خدمات فنی انجام شده با آن مرتبط باشد و پرداخت این حق الزحمه خدمات فنی بر عهده آن مقر دائم یا پایگاه ثابت باشد، در این صورت حق الزحمه خدمات فنی مزبور در دولت متعاهدی حاصل شده تلقی خواهد شد که مقر دائم یا پایگاه ثابت مزبور در آن واقع است.

ب: در صورتی که وفق جزء (الف) حق الزحمه خدمات فنی در یکی از دولتهای متعاقد حاصل نگردد و حق الزحمه خدمات فنی مرتبط با خدمات انجام شده در یکی از دولتهای متعاقد باشد، حق الزحمه خدمات فنی در آن دولت متعاقد حاصل شده تلقی خواهد شد.

۶- در صورتی که به دلیل وجود رابطه خاص بین پرداخت کننده و مالک منافع یا بین هر دوی آنها و شخص دیگری، مبلغ پرداختی حق الزحمه خدمات فنی از مبلغی که در صورت عدم وجود چنین ارتباطی بین پرداخت کننده و مالک منافع توافق می شد بیشتر باشد، مقررات این ماده صرفاً نسبت به مبلغ اخیرالذکر اعمال خواهد شد. در این صورت، قسمت مازاد پرداختی طبق قوانین هر دولت متعاقد و با رعایت سایر مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۱۴- عواید سرمایه‌ای

۱- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال اموال غیرمنقول مذکور در ماده (۶) که در دولت متعاهد دیگر قرار دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۲- عواید ناشی از نقل و انتقال اموال منقولی که بخشی از وسایل کسب و کار مقرر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر می‌باشد یا اموال منقول متعلق به پایگاه ثابتی که در اختیار مقیم یک دولت متعاهد به منظور انجام خدمات شخصی مستقل در دولت متعاهد دیگر می‌باشد، شامل عواید ناشی از نقل و انتقال مقرر دائم (به تنهایی یا همراه با کل مؤسسه) یا پایگاه ثابت مزبور، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۳- عواید حاصل توسط مؤسسه یک دولت متعاهد از نقل و انتقال کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی یا اموال منقول مرتبط با استفاده از این کشتی‌ها یا وسایط نقلیه هوایی، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۴- عواید حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از نقل و انتقال سهام یا سایر حقوق شراکتی در شرکتی که دارایی آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم عمدتاً از اموال غیرمنقول واقع در دولت متعاهد دیگر تشکیل شده است، مشمول مالیات آن دولت متعاهد دیگر می‌شود.

۵- عواید حاصل از نقل و انتقال سهام به غیر از موارد مذکور در بند (۴) در شرکتی که مقیم یک دولت متعاهد است مشمول مالیات آن دولت خواهد بود.

۶- عواید ناشی از نقل و انتقال هر مالی به غیر از موارد مذکور در بندهای (۱)، (۲)، (۳)، (۴) و (۵) این ماده فقط مشمول مالیات دولت متعاهدی که انتقال دهنده مقیم آن است خواهد بود.

ماده ۱۵- خدمات شخصی مستقل

۱- درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد به سبب خدمات حرفه‌ای یا سایر فعالیت‌های مستقل، فقط در آن دولت مشمول مالیات خواهد بود مگر آنکه:

الف: این شخص به منظور ارائه فعالیت‌های خود به‌طور منظم پایگاه ثابتی در دولت متعاقد دیگر در اختیار داشته باشد که در این صورت این درآمد فقط تا حدودی که مربوط به آن پایگاه ثابت باشد، مشمول مالیات دولت متعاقد دیگر خواهد بود.

ب: جمع دوره یا دوره‌هایی که وی در دولت متعاقد دیگر به‌سر برده در مجموع معادل یا بیش از صد و هشتاد و سه روز در دوره دوازده ماهه‌ای باشد که در سال مالی مربوطه شروع یا خاتمه می‌یابد؛ در این صورت، تنها آن قسمت از درآمد حاصل از فعالیت‌های صورت گرفته در آن دولت دیگر مشمول مالیات آن دولت دیگر می‌شود.

۲- اصطلاح «خدمات حرفه‌ای» به‌ویژه شامل فعالیت‌های مستقل علمی، ادبی، هنری، پرورشی، آموزشی و همچنین فعالیت‌های مستقل پزشکان، مهندسان، وکلای دادگستری، معماران، دندانپزشکان و حسابداران می‌باشد.

ماده ۱۶- خدمات شخصی غیرمستقل

۱- با رعایت مقررات مواد (۱۷)، (۱۹)، (۲۰) و (۲۱) این موافقتنامه حقوق، مزد و سایر حق‌الزحمه‌های مشابهی که مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدام دریافت می‌دارد فقط مشمول مالیات همان دولت می‌باشد مگر آنکه استخدام در دولت متعاقد دیگر انجام شود که در این صورت حق‌الزحمه حاصل از آن مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- علی‌رغم مقررات بند (۱)، حق‌الزحمه مقیم یک دولت متعاقد به سبب استخدامی که در دولت متعاقد دیگر انجام شده فقط مشمول مالیات دولت نخست خواهد بود، مشروط بر آن‌که:

الف: جمع مدتی که دریافت‌کننده در یک یا چند نوبت در دولت متعاقد دیگر به‌سر برده است از صد و هشتاد و سه روز در دوره دوازده ماهه‌ای که در سال مالی مربوطه شروع یا خاتمه می‌یابد تجاوز نکند و

ب: حق‌الزحمه توسط یا از طرف کارفرمایی که مقیم دولت متعاقد دیگر نیست پرداخت شود و

پ: پرداخت حق الزحمه بر عهده مقر دائم یا پایگاه ثابتی نباشد که کارفرما در دولت متعاقد دیگر دارد.

۳- علی‌رغم مقررات یادشده در این ماده، حق الزحمه پرداختی توسط مؤسسه یک دولت متعاقد در زمینه استخدام درکشتی یا وسایط نقلیه هوایی مورد استفاده در حمل و نقل بین‌المللی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

ماده ۱۷- حق الزحمه مدیران

حق الزحمه مدیران و پرداخت‌های مشابه دیگری که مقیم یک دولت متعاقد به لحاظ سمت خود به‌عنوان عضو هیأت‌مدیره شرکت مقیم دولت متعاقد دیگر تحصیل می‌نماید، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

ماده ۱۸- هنرمندان و ورزشکاران

۱- درآمدی که مقیم یک دولت متعاقد به‌عنوان هنرمند، از قبیل هنرمند تئاتر، سینما، رادیو یا تلویزیون یا موسیقیدان یا به‌عنوان ورزشکار بابت فعالیت‌های شخصی خود در دولت متعاقد دیگر حاصل می‌نماید، علی‌رغم مقررات مواد (۱۵) و (۱۶) مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر می‌شود.

۲- در صورتی که درآمد مربوط به فعالیت‌های شخصی هنرمند یا ورزشکار در سمت خود به آن هنرمند یا ورزشکار تعلق نگرفته و عاید شخص دیگری شود، آن درآمد علی‌رغم مقررات مواد (۷)، (۱۵) و (۱۶) مشمول مالیات دولت متعاقدی می‌شود که فعالیت‌های هنرمند یا ورزشکار در آن انجام می‌گردد.

۳- درآمدی که هنرمند یا ورزشکار بابت فعالیت‌های خود در چهارچوب موافقتنامه فرهنگی میان دو دولت متعاقد تحصیل می‌نماید از شمول بندهای (۱) و (۲) این ماده مستثنی می‌باشد.

ماده ۱۹- حقوق بازنشستگی

۱- با رعایت مفاد بند (۲) ماده (۲۰)، حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه پرداختی به مقیم یک دولت متعاهد به ازای خدمات گذشته مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

۲- مع هذا حقوق بازنشستگی و سایر وجوه مشابه، مشروط بر آنکه پرداخت توسط مقیم آن دولت دیگر یا مقرر دائم واقع در آن دولت صورت گیرد مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر نیز می شود.

۳- علی رغم مقررات بند (۱) و (۲) این ماده، حقوق بازنشستگی و سایر موارد پرداختی به موجب طرحهای عمومی که قسمتی از نظام تأمین اجتماعی یک دولت متعاهد یا مقام محلی آن است، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

ماده ۲۰- خدمات دولتی

۱-

الف: حقوق، دستمزد و سایر حقوق الزحمه های مشابه، به استثنای حقوق بازنشستگی، پرداختی توسط یک دولت متعاهد یا مقام محلی آن به شخص حقیقی بابت خدمات انجام شده برای آن دولت یا مقام محلی فقط مشمول مالیات آن دولت متعاهد خواهد بود.

ب: مع ذلک، در صورتی که خدمات در دولت متعاهد دیگر و توسط شخص حقیقی مقیم آن دولت انجام شود، این حقوق، دستمزد و سایر حقوق الزحمه های مشابه فقط مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر خواهد بود، مشروط بر آن که آن شخص مقیم:

- تابع آن دولت بوده ؛ یا

- صرفاً برای ارائه خدمات مزبور، مقیم آن دولت نشده باشد.

۲- حقوق بازنشستگی پرداختی توسط یک دولت متعاهد یا از محل صندوق ایجاد شده از طرف آن دولت یا مقام محلی آن به فردی در خصوص خدماتی که برای

آن دولت یا مقام محلی مزبور انجام داده است، فقط مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۳- در مورد حقوق و مقرری‌های بازنشستگی بابت خدمات ارائه شده درخصوص فعالیت‌های تجاری که یک دولت متعاقد یا مقام محلی آن انجام می‌دهد مقررات مواد (۱۶)، (۱۷)، (۱۸) و (۱۹) مجری خواهد بود.

ماده ۲۱- مدرسان، محصلان و محققان

۱- وجوهی که محصل یا کارآموزی که مقیم یک دولت متعاقد بوده و صرفاً به منظور تحصیل یا کارآموزی در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، برای مخارج زندگی، تحصیل یا کارآموزی خود دریافت می‌دارد، مشمول مالیات آن دولت متعاقد دیگر نخواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود.

۲- همچنین، حق‌الزحمه دریافتی توسط مدرس یا معلمی که مقیم یک دولت متعاقد بوده و به منظور تدریس یا انجام تحقیق علمی در دانشگاه، دانشکده، مدرسه یا مؤسسه آموزشی یا مؤسسه تحقیقات علمی دارای مجوز دولتی از دولت متعاقد نخست برای یک دوره یا دوره‌هایی که از دو سال تجاوز نکند در دولت متعاقد دیگر به سر می‌برد، از مالیات آن دولت متعاقد دیگر معاف خواهد بود، مشروط بر آنکه پرداخت‌های مزبور از منابع خارج از آن دولت دیگر حاصل شود. مفاد این بند در مورد حق‌الزحمه و درآمد حاصل از انجام تحقیقات برای اشخاص و مؤسساتی که دارای اهداف تجاری می‌باشند، مجری نخواهد بود.

ماده ۲۲- سایر درآمدها

۱- اقلام درآمد مقیم یک دولت متعاقد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است، در هر کجا که حاصل شود، صرفاً مشمول مالیات آن دولت متعاقد خواهد بود.

۲- به استثنای درآمد حاصل از اموال غیرمنقول به نحوی که در بند (۲) ماده (۶) تعریف شده است، هرگاه دریافت‌کننده درآمد، مقیم یک دولت متعاقد بوده و در

دولت متعاهد دیگر از طریق مقر دائم واقع در آن به کسب و کار پردازد یا در آن دولت دیگر از پایگاه ثابت واقع در آن خدمات شخصی مستقل انجام دهد و حق یا اموالی که درآمد درخصوص آن حاصل شده است با این مقر دائم یا پایگاه ثابت به نحو مؤثری مرتبط باشد، مقررات بند (۱) این ماده مجری نخواهد بود. در این صورت حسب مورد مقررات ماده (۷) یا ماده (۱۵) اعمال خواهد شد.

۳- علی‌رغم مقررات بندهای (۱) و (۲)، ارقام درآمد مقیم یک دولت متعاهد که در مواد قبلی این موافقتنامه مورد حکم قرار نگرفته است و در دولت متعاهد دیگر حاصل می‌گردد، در آن دولت دیگر نیز مشمول مالیات خواهد بود.

ماده ۲۳- آیین حذف مالیات مضاعف

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد درآمدی حاصل کند که طبق مقررات این موافقتنامه مشمول مالیات دولت متعاهد دیگر شود، دولت نخست اجازه خواهد داد مبلغی برابر با مالیات بردرآمد پرداختی در آن دولت متعاهد دیگر، از مالیات بر درآمد آن مقیم کسر شود.

مع ذلک، این‌گونه کسور نباید از میزان مالیاتی که پیش از کسر به درآمد تعلق می‌گرفته، بیشتر باشد.

۲- در صورتی که طبق هر یک از مقررات این موافقتنامه درآمد حاصل توسط مقیم یک دولت متعاهد از مالیات آن دولت معاف باشد، دولت مزبور می‌تواند علی‌رغم معافیت، در محاسبه مالیات بر باقی‌مانده درآمد این مقیم، درآمد معاف شده را منظور کند.

ماده ۲۴- عدم تبعیض

۱- اتباع یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر، مشمول هیچگونه مالیات یا الزامات مربوط به آن که سنگین‌تر یا غیر از مالیات یا الزاماتی است که اتباع دولت متعاهد دیگر تحت همان شرایط مشمول آن هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند بود. علی‌رغم مقررات ماده (۱)، این مقررات شامل اشخاصی که مقیم یک یا هر دو دولت متعاهد نیستند نیز خواهد بود.

۲- مالیاتی که از مقر دائم مؤسسه یک دولت متعاهد در دولت متعاهد دیگر
أخذ می‌شود نباید از مالیات مؤسسات آن دولت متعاهد دیگر که همان فعالیت‌ها را در
آن دولت دیگر انجام می‌دهند نامساعدتر باشد.

۳- مؤسسات یک دولت متعاهد که سرمایه آنها کلاً یا جزئاً به‌طور مستقیم یا
غیرمستقیم در مالکیت یا در کنترل یک یا چند مقیم دولت متعاهد دیگر می‌باشد، در
دولت نخست مشمول هیچ‌گونه مالیات یا الزامات مربوط به آن، که سنگین‌تر یا غیر از
مالیات و الزاماتی است که سایر مؤسسات مشابه در آن دولت نخست مشمول آن
هستند یا ممکن است مشمول آن شوند، نخواهند شد.

۴- به‌جز در مواردی که مقررات بند (۱) ماده (۹)، بند (۷) ماده (۱۱) یا بند (۶)
ماده (۱۲) اعمال می‌شود، هزینه‌های مالی، حق‌الامتياز و سایر هزینه‌های پرداختی
توسط مؤسسه یک دولت متعاهد به مقیم دولت متعاهد دیگر از لحاظ تعیین میزان
درآمد مشمول مالیات آن مؤسسه، تحت همان شرایطی قابل کسر خواهد بود که
چنانچه به مقیم دولت نخست پرداخت شده بود.

۵- این مقررات به‌گونه‌ای تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاهد را ملزم
نماید که هر نوع مزایای شخصی، بخشودگی و تخفیف مالیاتی را که به علت احوال
شخصیه یا مسؤولیت‌های خانوادگی به اشخاص مقیم خود اعطاء می‌نماید به اشخاص
مقیم دولت متعاهد دیگر نیز اعطاء کند.

۶- مقررات این ماده فقط نسبت به مالیات‌های موضوع این موافقتنامه اعمال
می‌شود.

ماده ۲۵- آیین توافق دوجانبه

۱- در صورتی که مقیم یک دولت متعاهد بر این نظر باشد که اقدامات یک یا
هر دو دولت متعاهد در مورد وی از لحاظ مالیاتی منتج به نتایجی شده یا خواهد شد
که منطبق با مقررات این موافقتنامه نمی‌باشد، صرف‌نظر از طرق احقاق حق
پیش‌بینی‌شده در قانون داخلی دولتهای مزبور، می‌تواند اعتراض خود را به مقام
صلاحیت‌دار دولت متعاهدی که مقیم آن است یا چنانچه مورد او مشمول بند (۱) ماده
(۲۴) باشد، به مقام صلاحیت‌دار دولت متعاهدی که تبعه آن است، تسلیم نماید.

اعتراض باید ظرف مدت سه سال از تاریخ نخستین اطلاع از اقدامی که به اعمال مالیات مغایر با مقررات این موافقتنامه منتهی شده تسلیم شود.

۲- اگر مقام صلاحیتدار اعتراض را موجه بیابد ولی خود نتواند به راه حل مناسبی برسد، برای اجتناب از اخذ مالیاتی که مطابق این موافقتنامه نمی‌باشد، خواهد کوشید که از طریق توافق متقابل با مقام صلاحیتدار دولت متعاقد دیگر موضوع را فیصله دهد. در این صورت علی‌رغم هرگونه محدودیت زمانی در قانون داخلی دولتهای متعاقد، هرگونه توافق حاصله اجراء خواهد شد.

۳- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد تلاش خواهند کرد که کلیه مشکلات یا شبهات ناشی از تفسیر یا اجرای این موافقتنامه را با توافق دوجانبه فیصله دهند و همچنین می‌توانند به منظور حذف مالیات مضاعف در مواردی که در این موافقتنامه پیش‌بینی نشده است با یکدیگر مشورت کنند.

۴- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد می‌توانند به منظور حصول توافق در موارد بندهای پیشین، مستقیماً با یکدیگر ارتباط حاصل کنند. مقامات صلاحیتدار با مشورت یکدیگر، آیین‌ها، شرایط، روشها و فنون دوجانبه مقتضی را برای اجرای آیین توافق دوجانبه مندرج در این ماده فراهم می‌آورند.

ماده ۲۶- تبادل اطلاعات

۱- مقامات صلاحیتدار دو دولت متعاقد اطلاعات ضروری برای اجرای مقررات این موافقتنامه یا برای اجرای قوانین داخلی دولتهای متعاقد که غیرمغایر با این موافقتنامه و مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه باشد، مبادله خواهند کرد. مفاد ماده (۱) موجب تحدید تبادل اطلاعات مزبور نمی‌شود. هر نوع اطلاعاتی که به وسیله یک دولت متعاقد دریافت می‌شود، به همان شیوه‌ای که اطلاعات به دست آمده تحت قوانین داخلی آن دولت نگهداری می‌شود به صورت محرمانه تلقی خواهد شد و فقط برای اشخاص یا مقامات (از جمله دادگاهها و مراجع اداری) که به امر تشخیص، وصول، اجراء یا پیگیری اشتغال دارند یا در مورد پژوهش‌خواهی‌های مربوط به مالیات‌های مشمول این موافقتنامه تصمیم‌گیری می‌کنند، فاش خواهد شد. اشخاص یا مقامات یادشده، اطلاعات را فقط برای چنین مقاصدی مورد استفاده قرار خواهند داد.

آنان می‌توانند این اطلاعات را در جریان دادرسی‌های علنی دادگاهها یا طی تصمیمات قضائی فاش سازند.

۲- مقررات بند (۱) در هیچ مورد به نحوی تعبیر نخواهد شد که یک دولت متعاقد را وادار سازد:

الف: اقدامات اداری خلاف قوانین و رویه اداری خود یا دولت متعاقد دیگر اتخاذ نماید.

ب: اطلاعاتی را فراهم نماید که طبق قوانین یا روش اداری متعارف خود یا دولت متعاقد دیگر قابل تحصیل نیست.

پ: اطلاعاتی را فراهم نماید که منجر به افشای هر نوع اسرار تجاری، شغلی، صنعتی، بازرگانی یا حرفه‌ای یا فرآیند تجاری شود یا افشای آن خلاف خط‌مشی عمومی و نظم عمومی باشد.

ماده ۲۷- اعضای هیأت‌های نمایندگی و مناصب کنسولی

مقررات این موافقتنامه بر امتیازات مالی اعضای هیأت‌های نمایندگی یا مناصب کنسولی که به موجب قواعد عمومی حقوق بین‌الملل یا مقررات موافقتنامه‌های خاص از آن برخوردار می‌باشند، تأثیری نخواهد گذاشت.

ماده ۲۸- لازم‌الاجراء شدن

۱- هر یک از دولتهای متعاقد باید از طریق مجاری سیاسی، تکمیل مراحل ضروری قانونی را برای لازم‌الاجراء شدن این موافقتنامه کتباً به دولت دیگر اطلاع دهد. این موافقتنامه از تاریخ آخرین یادداشت، لازم‌الاجراء می‌شود.

۲- این موافقتنامه به صورت زیر اجراء خواهد شد:

الف: در مورد مالیات‌های تکلیفی:

- در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مبالغ حاصله در تاریخ یکم فروردین هجری شمسی، مطابق با بیست و یکم مارس یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن این موافقتنامه لازم‌الاجراء می‌شود؛

- در ویتنام نسبت به مبالغ مشمول مالیات پرداختی یا اعتباری، در تاریخ یکم ژانویه (برابر با یازده دی ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که در آن این موافقتنامه لازم الاجراء می شود و در سالهای تقویمی بعد از آن
ب: در مورد سایر مالیات های بر درآمد:

- در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به آن دسته از مالیات های که برای هر دوره مشمول مالیات که در تاریخ یکم فروردین هجری شمسی، مطابق با بیست و یکم مارس یا پس از آن، در سال تقویمی متعاقب سالی که موافقتنامه قوت قانونی یافته وضع می گردد؛

- در ویتنام، نسبت به درآمد، منافع یا عوایدی که در یکم ژانویه (برابر با یازدهم دی ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سال لازم الاجراء شدن موافقتنامه حاصل می شود و در سالهای تقویمی بعد از آن

ماده ۲۹- فسخ

این موافقتنامه تا زمانی که توسط هر یک از دولتهای متعاقد فسخ نشده لازم الاجراء خواهد بود. هر یک از دولتهای متعاقد می تواند این موافقتنامه را از طریق مجاری سیاسی، با ارائه یادداشت فسخ، حداقل شش ماه قبل از پایان هر سال تقویمی بعد از پایان دوره پنجساله از تاریخی که موافقتنامه لازم الاجراء می گردد، فسخ نماید. در این صورت این موافقتنامه نسبت به موارد زیر اعمال نخواهد شد:
الف: در مورد مالیات های تکلیفی:

- در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مبالغ حاصله در تاریخ یکم فروردین هجری شمسی، مطابق با بیست و یکم مارس یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ در آن تسلیم شده است؛

- در ویتنام، نسبت به مبالغ مشمول مالیات پرداختی یا اعتباری در تاریخ یکم ژانویه (برابر با یازدهم دی ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ در آن تسلیم شده است و در سالهای تقویمی بعد از آن
ب: در مورد سایر مالیات های بر درآمد:

- در جمهوری اسلامی ایران، نسبت به مالیات‌هایی که برای هر دوره مشمول مالیات که در تاریخ یکم فروردین هجری شمسی، مطابق با بیست و یکم مارس یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ در آن تسلیم شده است وضع می‌گردد؛

- در ویتنام، نسبت به درآمد، منافع یا عواید حاصل در تاریخ یکم ژانویه (برابر با یازدهم دی‌ماه) یا پس از آن در سال تقویمی متعاقب سالی که یادداشت فسخ در آن تسلیم شده است و در سالهای تقویمی متعاقب آن

این موافقتنامه در دو نسخه در تهران در تاریخ ۱۳۹۳/۷/۲۲ هجری شمسی برابر با ۱۴ اکتبر ۲۰۱۴ میلادی به زبانهای فارسی، ویتنامی و انگلیسی تنظیم گردید که هر سه متن از اعتبار یکسان برخوردار است. در صورت اختلاف در تفسیر، متن انگلیسی حاکم خواهد بود.

برای گواهی مراتب بالا، امضاءکنندگان زیر که از طرف دولت متبوع خود به‌طور مقتضی مجاز می‌باشند، این موافقتنامه را امضاء نمودند.

از طرف

دولت جمهوری سوسیالیستی ویتنام
دو هوانگ آن توان
معاون وزارت دارایی

از طرف

دولت جمهوری اسلامی ایران
دکتر علی عسکری
معاون وزیر و رئیس کل سازمان امور مالیاتی کشور

لایحه فوق مشتمل بر ماده واحده و دو تبصره منضم به متن موافقتنامه، شامل مقدمه و بیست و نه ماده در جلسه علنی روز چهارشنبه مورخ بیست و سوم اردیبهشت‌ماه یکهزار و سیصد و نود و چهار مجلس شورای اسلامی به تصویب رسید.

علی لاریجانی